



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

رساله برای دریافت دکتری در رشته فقه و مبانی حقوق و اندیشه های امام خمینی (س)

عنوان:

بررسی فقهی مدیریت بانوان با تأکید بر دیدگاه امام

خمینی (س)

استاد راهنما: حضرت آیت الله عباسعلی روحانی

استاد مشاور اول: حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی

استاد مشاور دوم: دکتر محمود حکمت نیا

پژوهشگر: علی آقا پیروز

مهر ۱۳۹۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می باشد.
چاپ رساله و استخراج مقاله از آن باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد
راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

((بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ))

تقدیم

با نهایت اعتراف به نقصان یافته های خویش، این وجیزه را
به مصداق پای ملخی به پیشگاه سلیمان انقلاب اسلامی
حضرت امام خمینی (روحی لثراب مرقدہ الفداء) تقدیم می دارم.

تقدیر و سپاس

خدای بزرگ را سپاسگزارم که مرا چنین توفیقی عنایت فرمود تا در سیر دانش پژوهشی ام، گامی بسیار کوچک در مسیر پویایی فقه تشیع برداشته و گنجینه ای ارزشمند از آراء فقهاء و مفسرین و دیدگاه فقهی امام خمینی (س) را فراهم آورم. جا دارد از زحمات بی شائبه و وصف ناپذیر اساتید مجرب، خدوم و صاحب نظر که با راهنمایی ها، و نقد های اندیشمندانه خویش، مرا در تدوین این رساله یاری نمودند، تقدیر و تشکر کنم. از فقیه نواندیش و والا مقام حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی مدّ ظلّه الشریف که با ارائه نظرات اصولی متین و راهگشای خود بر غنای این اثر افزودند، نهایت قدردانی را می نمایم. از استاد محترم راهنما حضرت آیت الله روحانی که با مطالعه دقیق و سطر سطر این رساله، و هدایت عالمانه و بسیار ارزشمند خود، توأم با مساعدت های دلسوزانه، مرا در ساماندهی این اثر یاری نمودند صمیمانه تشکر می کنم.

از استاد مشاورم جناب آقای دکتر حکمت نیا و نیز اساتید محترم داور سرکار خانم دکتر دانش پور، جناب آقای دکتر نقیبی، جناب آقای دکتر موسوی و حجت الاسلام و المسلمین دکتر ولایی که با نقد های عالمانه خویش زمینه دفاع از این اثر پژوهشی را فراهم آوردند نهایت تشکر را دارم. از کلیه دست اندرکاران آموزشی در پژوهشکده ای که مزین به نام مبارک معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران است، صادقانه تشکر می کنم و از ذات مقدس احدیت توفیقی روز افزون در همه ادوار زندگی را برای همه این عزیزان خواهان و خواستارم.

اذعان دارم که تمامی نواقص و آفات این اثر پژوهشی به نگارنده تعلق دارد امید وارم که اهل نظر و معرفت به این بضاعت مزجاء به عین عنایت بنگرند و از قصور و لغزش ها که گاه لازمه وجود ناقص بشری و ظرفیت ناچیز علمی مؤلف آن است به سخاوت در گذرند امید است این تلاش ناچیز بتواند زمینه تحقیقات گسترده تری در این باره بوده باشد و در رشد و بالندگی نگرش فقهی شیعی مؤثر افتد و نیز خداوند روح بلند و ملکوتی امام خمینی را از این اثر پژوهشی شاد و خرم گرداند.

شماره: ۵۲۰۶۵۲۶
تاریخ: ۱۳۹۲/۷/۱۵
پیوست:



پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

آقای آقا پیروز

باسمه تعالی

صورتجلسه دفاع از رساله دکتری

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از رساله دکتری آقای علی آقا پیروز دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (س)

تحت عنوان: «بررسی فقهی مدیریت بانوان با رویکرد فقهی امام خمینی (س)»

در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۵ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از رساله دکتری، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه بسیار خوب امتیاز: ۱۷/۵
قبول مشروط با درجه: (با اصلاح) امتیاز:
مردود دفاع مجدد مرجع تأیید نهایی:

شرح اصلاحات مورد نیاز:

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه‌ها به شرح زیر می‌گردد:

- الف) قابل قبول ۱۵ به بالا
- ۱- قبول با درجه عالی ۲۰-۱۹
- ۲- قبول با درجه بسیار خوب ۱۷/۵-۱۸/۹۹
- ۳- قبول با درجه خوب ۱۷/۵-۱۷/۴۹
- ۴- فرصت مجدد برای دفاع کمتر از ۱۵
- ب) غیر قابل قبول

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما	حضرت آیت الله عباسعلی روحانی	استاد	
۲- استاد مشاور:	حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی	استاد	
۳- استاد مشاور:	جناب آقای دکتر محمود حکمت نیا	دانشیار	
۴- استاد داور:	جناب آقای دکتر سید محمد صادق موسوی	دانشیار	
۵- استاد داور:	جناب آقای دکتر عیسی ولایی	استادیار	
۶- استاد داور:	جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم نقیعی	دانشیار	
۷- استاد داور	سرکار خانم دکتر افتخار دانش پور	استادیار	

امضاء مدیر تحصیلات تکمیلی

امضاء نماینده تحصیلات تکمیلی

امضاء مدیر گروه

تهران: خیابان فردوسی شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (کوشک) پلاک ۵۳، تلفن ۴-۶۶۷۴۴۰۹ و ۷-۶۶۷۴۳۰۴۳ نمایر: ۶۶۷۴۲۸۲۵

وب سایت اینترنتی: www.ri-khomeini.com پست الکترونیک: info@ri-khomeini.com صندوق پستی: ۱۳۷-۱۱۴۵۵ کد پستی: ۱۱۴۵۶۸۹۳۳۸

چکیده (فارسی، انگلیسی و عربی)

مقطع تحصیلی: دکتری
رشته تحصیلی: فقه و مبانی حقوق و اندیشه های امام خمینی (س)
عنوان رساله: بررسی فقهی مدیریت بانوان با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (س)
نام و نام خانوادگی دانشجو: علی آقا پیروز
استاد راهنما: حضرت آیت الله عباسعلی روحانی
استاد مشاور: حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی
تاریخ شروع رساله: ۱۳۹۰
تاریخ پایان رساله: مهر ماه ۱۳۹۲
<p style="text-align: center;">چکیده</p> <p>آیا مدیریت زنان به ویژه در سطوح کلان (ریاست قوا، وزارت، مدیر کل و ...) جایز است یا خیر؟ با تأسیس اصل در مسئله (در صورت ناکافی بودن ادله طرفین) جواز مدیریت زنان با استناد به اصل برائت استنتاج می شود البته اگر این نوع مشاغل از سنخ وکالت باشند. اما اگر از جنس ولایت باشند با توجه به اصل عدم ولایت، عدم جواز مدیریت زنان ثابت است. کسانی که قائل به جواز شده اند ادله ای را از میان آیات قرآن، روایات، مذاق شریعت، اولویت قطعیه و سیره قطعیه اقامه کرده اند که تماماً قابل خدشه است آیات قرآن با مراجعه به اقوال مفسران و فقهاء و بررسی و تحلیل آنها، توان اثبات حرمت را ندارد. با بررسی سندی و دلالتی هر یک از دسته های هشت گانه روایات نیز، حرمت مدیریت زنان ثابت نیست. مذاق شریعت، اولویت قطعیه و سیره قطعیه نیز حداکثر مفید کراهت هستند. از سوی دیگر، ادله قائلین به جواز مدیریت زنان نیز که معمولاً روی فرض ولایت زنان رفته، عبارتند از: ۱. قاعده اشتراک در تکلیف ۲. دلیل عقلی ۳. آیات قرآن ۴. روایات ۵. بنای عقلاء، که پس از بررسی میزان اعتبار و دلالت آنها، قادر به اثبات جواز مدیریت زنان نیستند. در چنین فرضی، چاره ای جز مراجعه به اصل نیست. به حسب ظاهر این مشاغل از جنس ولایت نیستند چرا که منصب ولایی بودنشان ثابت نیست. بنابراین، قول به جواز ترجیح دارد منتهی با توجه به مذاق شریعت، اولویت قطعیه و سیره قطعیه، مرجوح بودن آن در غیر حوزه های مختص زنان، با حفظ ضوابط اشتغال بانوان، متعین است والله اعلم. امام خمینی (س) قائل به حرمت حکومت و ولایت زنان (زامانداری) است اما در سیره حکومتی معظم له، برخی زنان، مدیریت های ویژه ای را برعهده داشته اند. این حاکی از آن است که این مدیریت ها از جنس ولایت نبوده و حرمتشان نزد معظم له ثابت نیست. روش تحقیق، کتابخانه ای و از نوع توصیفی - تحلیلی و به بیان دیگر اجتهاد مصطلح در حوزه های علمیه است.</p> <p style="text-align: center;">واژگان کلیدی: مدیریت زنان، ولایت، تصدی گری زنان، قوامون، مذاق شریعت و نقصان عقل</p>

<i>Level of education :PHD</i>
<i>Field: Jurisprudence and legal practices and ideas of Imam Khomeini</i>
<i>Title: Religious studies of Women Management From the viewpoint of Imam Khomeini</i>
<i>Name: Ali afga Pirooz</i>
<i>Supervisor: Abbasali roohani</i>
<i>Advisor: saed mohammad musavi bojnurdi</i>
<i>Starting date of thesis: ۱۳۹۰</i>
<i>End date: ۱۳۹۲</i>
<p>Abstract</p> <p><i>Is it permissible for women to management at the macro level, for example, presidential powers, the Minister, the Director General, etc? They know that it is permissible for women to management, have brought some of the verses of the Quran, Hadith, Sharia taste, preferences and behaviors Qtyh Qtyh, who can not prove their claim. Other reasons are still the same. Finally, what can be concluded that it is inappropriate for women in macro levels management. On the other hand, the reasons of the people who say it is permissible includes : common rules on duty, wisdom, wise continuous behavior, verses and reliable But none of them can not prove that it is permissible for women to manage. Accordance with the principles we say:</i></p> <p><i>If the management is of the law, it is permissible for women and If it is the province of management, it is not permissible for women. In terms of appearance, overall management by women, not a province. Thus, it can be claimed that it is permissible for women to manage. Lead not suitable for women in management and macro levels In keeping with the legal requirements of a specific domain of women. Imam Khomeini, does not allow women to macro management. but in his employed are some of the women in the roofs of high system of the Islamic Republic of Iran, and this indicates the passport mandate or can change the view of the Imam after verification coup Iran.</i></p> <p><i>The research method is a library and a cross - in other words, colloquial ijihad seminaries.</i></p> <p>Keyword: <i>Women Management, province, Law taste, Responsibilities of women, Verse Qvamvn & lack of wisdom</i></p>

درجه: دكتوراه
حقل: الفقه و أسس القانون وأفكار الإمام الخميني (س)
أطروحة: دراسة الفقهی لتصدی النساء مع التركيز على منظر الإمام الخميني
اسم الطالب: علي آقا پيروز
مشرف: حضرت آيت الله عباسعلي روحاني
مستشار: حضرت آيت الله سيد محمد موسوي بجنوردی
وقت البدء: ۱۳۹۰
تنتهي: ۱۳۹۲
ملخص هل يجوز للنساء ادارة المجتمع في سطوح العاليه من قبيل الوزاره و رياسته القوا؟ مع تاسيس الاصل في المسئله ان كان هذه المشاغل من جنس الوكاله يستتج عدم جواز ادارة للنساء و اما ان كان من جنس الولا يه يستتج عدم جواز ادارة للنساء بناء على اجراء اصل عدم الولا يه . الذين يقولون بانه يجوز، يستدلون لمدعاهم بالآيات و الروايات ، السيره القطعيه ، مذاق الشريعت و اولويت القطعيه. و لكن هذه الادله لا يستطيع ان يثبت الحرمة غايت ما يمكن من هذه الادله كراهه الاداره و اما الذين يقولون بالجواز ، يستدلون بقاعده الاشتراك ، العقل ، آيات القرآن، روايات و بناءالعقلاء بعد التفحص عن سنده و دلالتة لا يقدررون على اثبات جواز الولا يه للنساء. على هذه الاساس لا بد من الرجوع الاصل و الاصل عدم الولا يه لكن هذه المشاغل على ظاهر الامر ليست من جنس الولا يه و ولا يه هذه المناصب ليست ثابتة بناءً على هذا يرحج القول بالجواز منتهى مرجوحيت هذه المشاغل للنساء بالنسبة الى الرجال ثابت بدليل مجموع الروايات و مذاق الشريعه و اولويت القطعيه و سيره القطعيه. البته ان كان في عرصه لا يختص بالنساء و يراعى ضوابط الاشتغال من طرف النساء . السماحه الامام خميني لا يقول بالجواز لكن في سيرته يشتغلون بعض النساء في سطوح العاليه من نظام الجمهوريه الاسلاميه في ايران و هذه يدل على جواز ولا يتهم او يمكن تغيير نظر الامام بعد تحقق الانقلاب في ايران على مبناءتأثير الزمان و المكان في الاجتهاد. كان الاجتهاد المصطلح في الحوزات العمليه طريق الوصول الى المقصد التحقيق في هذه الرساله كلمات البحث: ادارة النساء، ولا يه ، تصدى النساء المناصب ، قوامون ، مذاق الشريعت و نقصان العقل

فهرست موضوعات

د.....	چکیده (فارسی، انگلیسی و عربی)
ز.....	فهرست موضوعات
ل.....	فهرست جداول و نمودار ها
۱.....	مقدمه
۱.....	۱. ضرورت تحقیق
۳.....	۲. تبیین موضوع
۴.....	۳. پرسش اصلی و سؤالات فرعی
۴.....	۴. اهداف تحقیق
۵.....	۵. پیشینه تحقیق
۹.....	۶. نوآوری تحقیق
۹.....	۷. روش شناسی تحقیق
۱۰.....	۷-۱. روش فقهی یا اجتهاد
۱۳.....	۷-۲. الزامات اجتهاد
۱۴.....	۸. نمای ساختاری رساله
۱۶.....	بخش اول:
۱۶.....	مفاهیم و کلیات
۱۷.....	مقدمه
۱۷.....	فصل اول: مدیریت
۱۷.....	۱. تعریف مدیریت
۱۸.....	۲. اهمیت مدیریت
۲۰.....	۳. وظایف مدیران
۲۰.....	۳-۱. برنامه ریزی
۲۱.....	۳-۲. سازماندهی
۲۲.....	۳-۳. تصمیم گیری
۲۲.....	۳-۴. رهبری
۲۴.....	۳-۵. انگیزش
۲۵.....	۳-۶. ارتباطات
۲۷.....	۳-۷. کنترل و نظارت
۲۹.....	۴. سطوح و مهارت های مدیران
۳۰.....	۴-۱. مهارت های مدیریتی لازم در سطوح مختلف مدیریت
۳۱.....	۵. تحلیل علمی مدیریت زنان
۳۲.....	۶. موانع ارتقاء زنان به سطوح عالی مدیریت
۳۵.....	فصل دوم: مدیریت اسلامی
۳۵.....	۱. تعریف مدیریت اسلامی
۳۶.....	۲. مختصات مدیریت اسلامی

۳۶	۲-۱. ابتناء بر مبانی توحیدی (خدایمحموری).....
۳۸	۲-۲. استمداد از عوامل معنوی (معنویت).....
۳۹	۲-۳. ابتناء بر کرامت انسانی.....
۳۹	۲-۳-۱. رهبری کریمانه در قرآن.....
۴۰	۲-۳-۲. رهبری کریمانه در نهج البلاغه.....
۴۱	۲-۴. ابتناء بر عدالت.....
۴۲	۲-۴-۱. مفاهیم عدالت.....
۴۴	۲-۴-۲. شاخص های عدالت در مدیریت و سازمان.....
۴۴	۲-۴-۳. مصادیق بی عدالتی سازمانی.....
۴۵	۳. زنان و مدیریت اسلامی.....
۴۶	فصل سوم: تأسیس اصل در مسئله.....
۴۷	۱. قرائت اول.....
۴۸	۲. قرائت دوم.....
۵۰	۳. ولایت یا وکالت.....
۵۲	۳-۱. تفاوت وکالت و ولایت.....
۵۴	۴. اصل عملی در صورت وکالتی بودن مدیریت های کلان.....
۵۶	بخش دوم:.....
۵۶	دلایل عدم جواز مدیریت بانوان و بررسی آنها.....
۵۷	مقدمه.....
۵۷	فصل اول: ادله قرآنی.....
۵۷	۱. آیه قَوْمُون.....
۵۹	۱-۱. شأن نزول آیه.....
۶۰	۱-۲. اقوال مفسران در آیه قوامون.....
۶۱	۱-۳. تقریر آیه بر اثبات عدم جواز مدیریت زنان.....
۷۰	۱-۴. بررسی استدلال به آیه قوامون جهت استنتاج حرمت مدیریت زنان.....
۷۰	۱-۴-۱. مراد از «الرجال» و «النساء» (دامنه قوامیت).....
۷۶	۱-۴-۲. مراد از واژه «قوامون».....
۸۲	۱-۴-۲-۱. قوامیت و لزوم اطاعت.....
۸۶	۱-۴-۳. مراد از «بما فضل الله».....
۹۱	۱-۴-۴. مراد از عبارت «بعضهم علی بعض».....
۹۴	۲. آیه حلیه.....
۹۸	۲-۱. پاسخ استدلال به آیه شریفه.....
۱۰۰	۳. آیه ملکه سبا.....
۱۰۱	۳-۱. پاسخ استدلال به آیه شریفه.....
۱۰۳	۴. آیه «وقرن فی بیوتکن».....

- ۱-۴. پاسخ استدلال به آیه شریفه ۱۰۴
۵. آیه «وللرجال علیهن درجه» ۱۰۵
- ۱-۵. پاسخ استدلال به آیه شریفه ۱۰۷
- فصل دوم: ادله روایی** ۱۰۹
۱. مدیریت بانوان عامل ناکارآمدی و شکست ۱۱۰
- ۱-۱. تقریر استدلال به روایت ۱۱۶
- ۱-۲. بررسی سندی ۱۱۷
- ۱-۳. بررسی دلالی ۱۲۰
۲. نفی شایستگی زنان به دلیل برخی ویژگی‌ها (نقصان عقل و ...) ۱۲۵
- ۲-۱. بررسی سند روایات: ۱۲۷
- ۲-۲. بررسی روایت امتحان الاوصیاء در رابطه با فراز نخست خطبه ۷۹ ۱۲۹
- ۲-۳. بررسی نقصان عقل زنان ۱۳۶
- ۱-۲-۳. مفهوم‌شناسی عقل و نقص ۱۳۷
- ۲-۳-۲. عقل در قرآن کریم و روایات ۱۳۷
- ۲-۳-۳. تبیین چگونگی درک عقلانی زنان ۱۴۰
- ۲-۳-۳-۱. انواع عقل ۱۴۰
- ۲-۳-۳-۲. تبیین دیدگاه‌ها در باره نقصان عقل زنان ۱۴۱
- ۲-۳-۳-۲-۱. ضعف عقل اکتسابی (تجربی) زنان ۱۴۲
- ۲-۳-۳-۲-۲. ضعف عقل نظری ۱۴۶
- ۲-۳-۳-۲-۳. محدود بودن دلالت روایات (قضیه شخصیة) ۱۴۶
- ۲-۳-۳-۲-۴. نقص عقل در زنان پدیده ای اجتماعی و فرهنگی است؛ نه پدیده ای تکوینی ۱۴۹
- ۲-۳-۳-۲-۵. نقصان تعقل نه عقل ۱۵۰
- ۲-۳-۳-۲-۶. نقصان تعقل در عقل عملی نه عقل نظری ۱۵۳
۳. نهی از اطاعت و تدبیر زنان ۱۶۳
- ۳-۱. بررسی سند روایات ۱۶۶
- ۳-۲. بررسی دلالت روایات ۱۶۷
۴. نهی از مشورت با زنان ۱۷۹
- ۴-۱. بررسی سند روایات نهی از مشورت با زنان ۱۸۰
- ۴-۲. بررسی دلالت روایات ۱۸۵
۵. نهی زنان نسبت به خروج از منزل ۱۸۸
- ۵-۱. بررسی سند روایات ۱۸۹
- ۵-۲. بررسی دلالی روایات ۱۸۹
۶. نفی ولایت و سرپرستی جامعه از جنس زن ۱۹۴
- ۶-۱. بررسی سند روایات ۱۹۵

۱۹۷	۶-۲. بررسی دلالت روایات
۱۹۸	۷. توصیه به عقب نگه داشتن زنان
۱۹۹	۷-۱. بررسی روایات
۱۹۹	۸. منع مالکیت زن بر دیگران
۲۰۰	۸-۱. بررسی سند روایات
۲۰۱	۸-۲. بررسی دلالت روایات
۲۰۳	فصل سوم: مذاق شریعت
۲۰۶	۱. بررسی «مذاق شرع» به منظور سنجش میزان اعتبار آن
۲۱۱	فصل چهارم: سیره قطعی شریعت
۲۱۳	۱. بررسی میزان دلالت سیره قطعی
۲۱۴	فصل پنجم: اولویت قطعی
۲۱۵	۱. بررسی اولویت قطعی
۲۱۷	بخش سوم:
۲۱۷	ادله جواز مدیریت بانوان
۲۱۸	مقدمه
۲۱۸	فصل اول: قاعده اشتراک
۲۲۴	۱. بررسی اعتبار و مستندات قاعده اشتراک
۲۲۶	فصل دوم: دلیل عقلی
۲۲۷	۱. پاسخ دلیل عقلی
۲۲۷	۲. اشکال
۲۲۷	۳. پاسخ اشکال
۲۲۸	فصل سوم: ادله قرآنی
۲۲۸	۱. آیه قوامین بالقسط
۲۲۸	۲. آیات اجرای حدود، قصاص و دیات
۲۲۹	۳. آیه حکومت به عدل
۲۲۹	۴. آیه حکومت بر اساس حق
۲۳۰	۵. آیه ملکه سبا
۲۳۱	فصل چهارم: ادله روایی
۲۳۱	۱. روایت اول
۲۳۲	۲. روایت دوم
۲۳۳	۳. روایت سوم
۲۳۴	فصل پنجم: بنای عقلاء بر جواز مدیریت بانوان
۲۳۵	۱. قرائت اول
۲۳۶	۲. قرائت دوم
۲۳۸	فصل ششم: دیدگاه امام خمینی (س) در باره مدیریت بانوان
۲۳۹	۱. تصدی گری زنان در پست های سیاسی
۲۴۰	۲. سیره امام خمینی در باره مدیریت زنان

۲۴۱	بخش چهارم:.....
۲۴۱	ضوابط و اولویت های اشتغال (مدیریت) بانوان
۲۴۲	مقدمه
۲۴۲	فصل اول: ضوابط اشتغال بانوان
۲۴۳	۱. خروج از منزل با اذن شوهر.....
۲۴۳	۲. حفظ مصالح خانوادگی و حیثیت زن و شوهر
۲۴۵	۳. حفظ عفاف و حجاب و پرهیز از اختلاط.....
۲۴۶	فصل دوم : اولویت های اشتغال زنان
۲۵۴	۱. خانواده و ساعات اشتغال زنان
۲۵۷	۲. شأن همسری و مادری زنان و اولویت اشتغال اجتماعی.....
۲۵۸	۳. حوزه های اشتغال اجتماعی و اولویتها
۲۵۹	۴. ساختار شخصیتی زنان و اشتغال.....
۲۵۹	۴-۱. ویژگی جسمی زنان و اشتغال.....
۲۵۹	۴-۲. ویژگی روانی زنان و اشتغال
۲۶۰	۴-۳. ویژگی جسمی- روانی زنان و اشتغال.....
۲۶۰	۵. میزان اشتغال اجتماعی زنان
۲۶۲	نتیجه گیری و پیشنهاد.....
۲۶۴	منابع و مأخذ

فهرست جداول و نمودار ها

- ۱-۱. مهارت های مدیریتی لازم در سطوح مختلف مدیریت..... ۳۸
- ۱-۲. نمودار سبک رهبری در مدیریت اسلامی..... ۴۸
- ۱-۳. نمودار مختصات مدیریت اسلامی..... ۴

مقدمه

۱. ضرورت تحقیق

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نگرش به بانوان متأثر از اندیشه های بلند بنیانگذار آن، تغییر یافت. در این نگرش، زنان، انسان های توانمندی هستند که در به ثمر رساندن این انقلاب نقش وافر داشته و در تمامی عرصه های حساس این نظام به خوبی ایفای نقش می کنند.

گرچه دشمنان این گونه وانمود می کنند که در این نظام به حقوق زنان تعدی می شود و بارها خواسته اند جمهوری اسلامی ایران را از این رهگذر به نقض حقوق بشر متهم سازند اما واقعیت موجود، حاکی از آن است که زنان پس از انقلاب اسلامی نسبت به گذشته قبل از انقلاب، حضوری فعال و چشمگیر در فعالیت های اجتماعی داشته و در عرصه های مختلف از قبیل: علمی (

تحصیلات تکمیلی و تولید علم و فن آوری) سلامت (درمان و آموزش پزشکی)، سیاسی (وزارت و نمایندگی مجلس شورای اسلامی) ورزشی، مدیریتی و درخششی تحسین برانگیز داشته اند ضمن آنکه روند موجود نیز حکایت از گسترش روز افزون این حضور در آینده نظام دارد.

نگرش امام خمینی (س) به زنان نگاهی متعالی و ارزشمند است. سخنان زیر تبلور نگاه بلند امام به زنان است:

زن ها هم باید در فعالیت های اجتماعی و سیاسی همدوش مرد ها باشند. البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است که بحمدالله امروز در ایران جاری است.^۱

* زن مربی انسان است.^۲

* از دامن زن، مرد به معراج می رود.^۳

* زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده همدوش مردان، بلکه مقدم بر آنانند.^۱

^۱ امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۰۳.

^۲ همان، ج ۶، ص ۳۰۱.

^۳ صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱.

*ما مفتخریم که بانوان و زنان، پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند.^۲

*بانوان ایران، در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند.^۳

موضوعی که هر از چند گاه در جامعه ما رُخ می نماید و به سوژه ای برای مطبوعات و رسانه ها تبدیل می شود و در مقاطعی اذهان متدینان جامعه را به خود مشغول می سازد، مسئله جواز یا عدم جواز فقهی مدیریت زنان در سطح کلان است این مسئله هر چند برای عده ای معلوم و دارای پاسخ مثبت است و تصور می کنند که زنان به طور کلی می توانند عهده دار مناصب اجرایی در عرصه های کلان نظام شوند اما هنوز برای عموم متدینان جامعه، پاسخ آن منفی و یا دست کم نامعلوم است این مسئله در مواردی نیز چالش برانگیز شده و موجب می شود همزمان با انتصاب برخی زنان در مناصب کلیدی نظام، مطبوعات و رسانه ها به موافقت یا مخالف با آن برخاسته و مطالبی را اظهار نمایند که در مجموع حکایت از عدم شفافیت موضوع در سطح جامعه می کند و همزمان با بروز برخی کاستی ها در حوزه مدیریت زنان، عده ای آن را دستاویزی برای طرح عدم توانایی زنان در تصدی این مناصب قرار داده و آن را مویدی بر عدم جواز فقهی مدیریت کلان زنان تلقی نمایند.

جمع کثیری از دینمداران جامعه ما معتقدند که زنان شرعاً نمی توانند عهده دار مناصب مدیریتی در سطوح بالای نظام شوند که البته برای مدعیای خود مستندات نیز از آیات و روایات حضرات معصومین(ع) اقامه می کنند این موضع گیری باعث نگاه منفی به انتصاب زنان می شود و بدبینی هایی را نسبت به مدیریت زنان در جامعه پدید می آورد. از سوی دیگر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به عدم جواز مدیریت زنان در سطح کلان، فتوی می دهد اما مبانی فقهی معظم له (نقش زنان و مکان در استنباط احکام فقهی)، اشاره به استنتاج دیگری در این مسئله دارد. این موارد، ضرورت تحقیق در این موضوع را، آشکار و اهمیت نتیجه تحقیق را مضاعف می گرداند.

^۱ همان، ج ۷، ص ۳۴۱.

^۲ همان، ج ۲۱، ص ۳۹۷

^۳ همان، ج ۱۴، ص ۳۵۵

۲. تبیین موضوع

موضوع بررسی فقهی مدیریت زنان به اشکال مختلف قابل بررسی و مذاقه است موضوع حکم فقهی خود به دو صورت کلی قابل طرح است زیرا ممکن است موضوع حکم فقهی، «فعل الاداره» توسط زنان باشد یعنی مدیریت بانوان به عنوان یکی از افعال اختیاری، مورد تحقیق قرار گیرد که چه حکمی دارد. این «فعل الاداره» را می توان به لحاظ مشمولیت برای احکام خمس فقهی مورد بررسی قرار داد. «فعل الاداره» می تواند در سطح خرد و یا کلان باشد در حوزه اختصاصی زنان باشد و یا در حوزه مشترک مردان و زنان، تفاوتی نمی کند. اما در صورت دوم، موضوع تحقیق، «فعل الاداره» نیست بلکه منصب ولایی مورد سؤال واقع می شود به این صورت که آیا برای زنان منصب ولایی جعل و اعطاء شده است یا خیر؟ آیا زنان می توانند منصب ولایی داشته، و اعمال ولایت کنند یا خیر؟ این صورت نیز به دو قسم قابل تصور است یکی ولایت عظمی که همان زمامداری جامعه اسلامی است همان منصبی که از آن در نظام جمهوری اسلامی به عنوان ولایت فقیه یاد می شود در این صورت شکی وجود ندارد که برای آنان چنین ولایتی جعل نشده است و احدی از فقها نیز حکم به ثبوت این نوع ولایت برای زنان نداده است.

نوع دیگر ولایت، منصبی است که در رأس قرار نمی گیرد بلکه در مرتبه ای نازل تر از آن مطرح است مانند ریاست جمهوری، وزارت، رئیس قوه مقننه، مدیریت کل وزارتخانه ها، استانداری ها و ... البته در این فرض نیز ممکن است تنها اعمال ولایی تفویض شود نه خود منصب. در این صورت نیز جای تردید وجود ندارد که زنان می توانند متصدی این مسئولیت ها شوند زیرا در این صورت ولایتی به آنها تفویض نشده تا اشکال شود که آیا آنها می توانند واجد چنین ولایتی باشند، بلکه اعمال ولایی به آنها تفویض شده است و این صورت بلاشکال است اما صورت دیگری وجود دارد که محل بحث است و آن عبارت است از اعمال ولایت توسط زنان که حاکی از متصدی بودن آنها در این مناصب باشد. بیشترین توجه رساله روی این فرض است

نکته مهم آنکه در بررسی ادله، دلایل معمولاً به صورت عام بوده و با توجه به عمومیت خود، جواز یا عدم جواز مدیریت یا ولایت زنان را ثابت می نماید. یعنی در مواردی ادله اعم از مدعا است که این صورت منطقیاً آسیبی به تحقیق وارد نمی کند.

۳. پرسش اصلی و سؤالات فرعی

مدیریت بانوان در سطح کلان از منظر فقه شیعی با تاکید بر دیدگاه امام خمینی (س) چه حکمی دارد؟

سؤال فرعی:

مدیریت بانوان با توجه به وظایف و مهارت های مدیران و نیز مدیریت اسلامی چگونه تحلیل می شود؟

پاسخ به سؤال فرعی را در فصل اول رساله و پاسخ به پرسش اصلی را در فصول بعدی، مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد؛ باشد که مورد توجه خوانندگان و دانش پژوهان گرامی واقع شود.

۴. اهداف تحقیق

به طور کلی هدف این پژوهش تبیین شرعی جواز و عدم جواز مدیریت زنان در مدیریت های کلان است نتیجه این تحقیق می تواند روشننگری قشر عظیمی از بانوان را نسبت به تکلیف شرعی خود، در پی داشته باشد و مردان را نیز در پذیرش و یا عدم پذیرش مدیریت بانوان، صرف نظر از دیگر ابعاد موضوع، مطلع سازد.

ذکر این نکته مفید است که بحث از جواز یا حرمت مدیریت زنان در عرصه امور عمومی و تصدی مناصب سیاسی و اجتماعی در سطح کلان جامعه که مستلزم سرپرستی زنان بر قشر عمده ای از افراد جامعه (اعم از زنان و مردان) است، از مباحث نوپیدا در فقه شیعه بوده و برخلاف زمان های گذشته که موضوعی برای طرح و محلی از ابتلا در جامعه نداشته است در عصر حاضر و غالباً در سایه اموری چون: تبلیغات وسیع جریان فمینیسم، تأثیرات رسانه های فرمانطقه ای، حضور بی سابقه زنان در عرصه های متنوع اجتماعی و ارائه الگوهای عملی حضور زنان در عرصه های سیاسی- اجتماعی کلان جامعه در کشورهای غیر اسلامی، به موضوعی مهم و مورد ابتلاء در جامعه امروز تبدیل شده است و این سؤال برای نخبگان جامعه به ویژه دینمداران و متشرعان مطرح شده که صرف نظر از بروز برخی پیامدهای اجتماعی مدیریت زنان، آیا مدیریت کلان زنان در شرع مقدس اسلام جایز است یا خیر؟ به دلیل گرایش جمعی از مراجع تقلید به عدم جواز مدیریت کلان زنان از یک سو و

انتصاب برخی زنان به پست های مدیریتی کلان و کلیدی نظام همچون وزارت از سوی دیگر، این دغدغه در میان مردم به ویژه متدینان و خواص جامعه پدید آمده که آیا به راستی زنان نمی توانند عهده دار مدیریت کلان نظام شوند؟ و اگر چنین است آیا آنچه در صحنه واقعیت رخ می دهد، امری خلاف شرع است که باید آن را به دیده مُنکر نگریم و به مخالفت با آن برخاست؟ یا آنکه مدیریت کلان زنان امری کاملاً مشروع بوده و بر اساس مبانی فقهی جایز است؟

۵. پیشینه تحقیق

در باره تصدی گری زنان تحقیقات زیادی انجام شده است اما این تحقیقات اغلب به صورت اثر منتشره اعم از کتاب و مقاله نبوده است بلکه فقهاء و مفسران اعم از شیعه و سنی، آراء و نظرات خویش را ذیل آیه ۷ سوره انبیاء^۱، آیه ۱۰۹ سوره یوسف، آیه ۴۳ سوره نحل^۲، آیه ۳۴ سوره نساء^۳ و آیه ۳۳ سوره احزاب^۴ آورده اند:

برخی پژوهش ها در قالب مقالات فقهی منتشر شده که تعدادی از آنان نیز در دو مجله «فقه اهل بیت» و «فقه و حقوق» ملاحظه گردید. باید اعتراف کرد، تحقیقات انجام شده در این موضوع به حد اشباع نرسیده و خلأ های ناشی از عدم پاسخگویی به سؤالات پیش گفته مرتفع نشده است.

دو تحقیق در قالب مقاله مورد مطالعه قرار گرفت یکی مربوط به تحقیق جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر ارسطا و دیگری تحقیقی است که جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای هدایت نیا انجام داده اند این دو تحقیق در استنتاج کاملاً متفاوت هستند اولی عدم جواز را و دومی جواز مدیریت زنان را، حتی در مناصب حکومتی مانند ریاست جمهوری ثابت می کند.

در تحقیق دیگری که توسط حجت الاسلام و المسلمین آقای ایزدهی انجام شده است چنین استنتاج می شود که تصدی گری زنان در مشاغل مدیریتی کلان هر چند جایز است اما مرجوح بوده و بهتر است زنان متصدی این مشاغل نشوند.

^۱ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ...»

^۲ «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

^۳ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...»

^۴ «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»

کتاب «اهلیة المرأة لتولی السلطنة» نوشته شیخ محمد مهدی شمس الدین، در همین موضوع نگاشته شده است نویسنده محترم در این کتاب، ابتدا موضوع تحقیق را به صورتی عام مطرح ساخته و انوار مشارکت زنان را در شئون سیاسی جامعه مورد بررسی قرار می دهد و به تفصیل، نظرات فقهاء در خصوص مشارکت و تصدی زن را بیان می کند آنگاه به مسئله مدیریت کلان زنان در سطح ریاست دولت یا وزراء می پردازد.

از نظر ایشان، مشهور فقهاء قدیماً و جدیداً به جز یک نفر، به عدم اهلیت شرعی زن برای پذیرش ریاست دولت فتوا می دهد. در ادامه، تحریر مسئله را به دو شکل مطرح می کند یکی اینکه آیا زن می تواند متصدی ریاست دولت شود و دیگر آنکه آیا نظام یا ملت، می تواند زن را برای ریاست دولت انتخاب کند؟ این دو مسئله با هم تلازم دارند.

نویسنده محترم، در استنتاج حکم مسئله، دو فرض را ترسیم می کند در فرض اول قائل به عدم جواز است و در فرض دوم، جواز را استنتاج می کند. فرض اول آن است که رئیس دولت دارای قدرت و ریاست مطلقه است که براساس فهم خود از شریعت یا قانون حکم می راند. فرض دوم آن است که قدرت و حکم او مقید به شورا باشد و شخص حاکم نتواند بر اساس فهم خاص خود از شریعت و قانون یا نظر شخصی خود عمل نماید بلکه باید تابع شورا و فهم آنان از شریعت و قانون باشد ایشان فرض دوم را پذیرفته، و فرض اول را به کلی رد می کند حتی آن را برای مردان نیز جایز نمی داند بلکه فرض اول را مختص انبیاء و ائمه معصومین (ع) می داند و آن را مطابق اصل عدم ولایت احدی بر دیگری، قلمداد می کند.

نویسنده محترم در خصوص آراء و مبانی فقهی شیعه، به ویژه نظرات حضرت امام خمینی (س)، بناءً و مبناءً تتبع جامعی ارائه نکرده است.

البته پژوهش هایی نیز در این موضوع با اندک تفاوتی تدوین شده است که ذیلاً برخی از آنها را می آوریم:

پایان نامه ای با موضوع «پژوهشی درباره آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» و جستاری در فمینیسم» نوشته سید حسین تقوی به راهنمایی مرحوم آیت الله محمد هادی معرفت تدوین شده است، تعیین